

باسمه تعالی

## شهادت زنان در نکاح

در مورد اعتبار یا عدم اعتبار شهادت زنان در نکاح دو نظریه مطرح است: نظریه منع قبول شهادت انضمامی زنان در نکاح و نظریه قبول آن.

قابل ذکر است که مراد از شهادت در نکاح در این بحث شهادت در مقام دعوا و انکار است نه شهادتی که در زمان تزویج از نظر اهل سنت واجب و از نظر شیعه مستحب است.

هر دو نظریه مورد قبول برخی از قداما قرار گرفته شیخ ره در خلاف به نظریه نفی و در مبسوط به نظریه جواز را انتخاب کرده و در خلاف بر نفی و در غنیه بر اعتبار ادعای اجماع شده است.

### ★ نظریه اول: عدم اعتبار شهادت زنان در نکاح مطلقا

منع في (الخلاف) من قبول شهادة النساء فيه مطلقا. «۲» و المفید - رحمه الله - منع «۴» أيضا، و كذا سلار و ابن حمزة و ابن إدريس. -مختلف/ و أمّا النکاح: فعن جماعة عدم قبول شهادتهنّ مع الرجال، منهم: المفید و الدیلمی و ابن حمزة و الحلّی و عن الصیمری: نسبته إلى المشهور - خویی ره

### ادله:

۱. عن السكونی عن الصادق عن الباقر عن علی علیهم السلام، أنه كان يقول: شهادة النساء لا تجوز فی طلاق و لا نکاح و لا فی حدود، إلّا فی الدیون و ما لا یستطیع الرجال النظر إليه» - مختلف / جواهر: بل لا أجد لها معارضا فی النکاح إلا خبر السكونی

مناقشه:

a. و الجواب: القول بالموَجِب، فإنَّنا نمنع من قبول شهادتهنَّ على الانفراد، بل نوجب انضمام الرجل إليهنَّ./

جواهر: و هو..محمتمل لإرادة شهادتهن منفردات، كما في خبر إسماعيل بن عيسى «١»  
«سألت الرضا (عليه السلام) هل تجوز شهادة النساء في التزويج من غير أن يكون معهن رجل؟ قال: لا هذا لا يستقيم/  
و إطلاق معتبرة السكوني يقيد بصحيح الحلبي.

مقصود از قول به موجب که در کلمات فقهای متقدم بکار می رفته دعوی است که دلیلش آن را ثابت نمی کند.

a. قال الشيخ: و يحتمل أن يخرج هذان الحديثان مخرج التقيّة - مختلف  
پس این استدلال تام نیست زیرا با وجود روایات دال بر جواز این اطلاق را می توان بر شهادت انفرادی حمل کرد و رفع تنافی میان روایات نمود.

### ★ نظریه دوم: پذیرش شهادت انضمامی زنان در نکاح

شهادت زنان در نکاح یا به صورت انفرادی است و یا به صورت انضمام با مردان. شهادت انضمامی این نظریه هم مانند نظریه منع مطلق مورد قبول برخی از قدما قرار گرفته است.

اما نظریه شهادت انفرادی زنان علیرغم وجود یک روایت صریح و روایات متعدد مطلق هیچ قائلی میان فقهای شیعه ندارد.

پس موضوع مورد بحث در مقابل نظریه اول، اثبات اعتبار شهادت انضمامی زنان است. که روایات مطلق دال بر اعتبار شهادت زنان با اطلاقشان و روایات دال بر اعتبار شهادت انفرادی زنان در نکاح آن را با مفهوم اولویت و روایات دال بر اعتبار شهادت انضمامی آن را بالمطابقه اثبات می کند.

مختلف: و قوی فی (المبسوط) القبول إذا انضمت امرأتان إلى رجل «۳». و أما ابنا بابویه و ابن الجنید و أبو الصلاح، فإنهم قبلوا شهادتهن فيه «۶»، و هو الذي اختاره الشيخ في (الاستبصار) و (التهذيب) «۷» و هو الأقوى جواهر: قال المصنف هنا «فيها تردد، أظهره ثبوته بالشاهد و المرأتين» كما في القواعد أيضا وفاقا للمحكي عن المبسوط في الأول و الثاني و للمحكي عن المقنع و الاستبصار في الثاني، و يلزمه القول أيضا بالثبوت بالشاهد و اليمين، لاتحاد ما يثبت بهما، / خویی ره: و عن جماعة كثيرة من المتقدمين: القبول، منهم: الصدوقان و الإسكافي و العماني و الحلبي «۴» و غيرهم، و نسب ذلك إلى أكثر المتأخرين، بل عن الغنية دعوى الإجماع على ذلك «۵».

**ادله:**

روایاتی که به نحوی بر اعتبار شهادت انضمامی زنان در نکاح دلالت دارد چند دسته هستند که ذیلا به آنها اشاره می شود:

#### **الف: روایات صریح در اعتبار شهادت انفرادی زنان**

در این دسته فقط روایت داوود به حصین دیده می شود که به صراحت شهادت انفرادی را در نکاح معتبر دانسته است:

وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَعَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ النِّسَاءِ فِي النِّكَاحِ بِلَا رَجُلٍ مَعَهُنَّ - إِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مُنْكَرَةً فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ... وَكَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجِيزُ شَهَادَةَ امْرَأَتَيْنِ فِي النِّكَاحِ عِنْدَ الْإِنْكَارِ،

روایت قابل حمل بر شهادت در زمان وقوع نکاح نیست و موضوعش شهادت انکاری است و صراحتا انفرادی را معتبر دانسته است و از این جهت مشکلی ندارد. سند روایت هم معتبر است.

اما نکته قابل توجه در این روایت این است که مورد سوال صورت انکار نکاح از سوی زن است و شامل صورت انکار مرد نمی شود و از این جهت به دلیل اخص بودنش می تواند مقید روایات نافی اعتبار باشد. ولی با توجه به این که جمله مذکور در ذیل روایت عام است و شامل صورت انکار مرد می شود نمی تواند مقید روایات نافی شود.

### مناقشات:

روایت علیرغم تمام بودن سند و روایت معارض با روایات متعددی است که شهادت زنان در نکاح را به طور مطلق و یا انفرادا نامعتبر دانسته و یا اعتبارش را به صورت ضم مردان منحصر کرده است و با توجه به عدم عمل اصحاب به این روایت دارای شذوذ فتوایی است و طبق روایات مقبول در مقام تعارض روایتی که شهرت فتوایی دارد معتبر است. و طبق نظر محققین که شهرت در مقبوله شهرت فتوایی است حتی اگر روایت داود شهرت روایی هم داشته باشد در مقابل روایات معمول نزد اصحاب اعتبار ندارد.

لکنها مع شذوذها و هجرها و عدم عامل بها معارضة بمعتبرة السكوني، و بمفهوم صحیحة الحلبي و رواية أبي بصير، و المرجع بعد التسايط هو العمومات الدالة على عدم قبول شهادة النساء - مبانی تکمله خوئی ره

### ب: روایات دال بر اعتبار شهادت زنان به صورت مطلق

۱. وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ شَهَادَةِ النِّسَاءِ تَجُورُ فِي النِّكَاحِ - قَالَ نَعَمْ وَ لَا تَجُورُ فِي الطَّلَاقِ

اطلاق روایت شامل شهادت انفرادی و انضمامی می شود و قدر متیقن آن شهادت انضمامی است

۲. ۳۳۹۱۳-۵- «۲» وَ عَنهُ عَنِ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَارِقِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ - فِيمَا لَا يَسْتَطِيعُ الرَّجَالُ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَيْهِ وَ يَشْهَدُوا عَلَيْهِ - وَ تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي النِّكَاحِ - وَ لَا تَجُوزُ فِي الطَّلَاقِ وَ لَا فِي الدِّمِّ - وَ تَجُوزُ فِي حَدِّ الزَّانَا إِذَا كَانَ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَ امْرَأَتَانِ - وَ لَا تَجُوزُ إِذَا كَانَ رَجُلَانِ وَ أَرْبَعُ نِسْوَةٍ - وَ لَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي الرَّجْمِ.

۳. ۳۳۹۱۹۳۳۹۳۳-۲۵- «۶» وَ عَنهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنِ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ عَلِيُّ ع شَهَادَةُ النِّسَاءِ تَجُوزُ فِي النِّكَاحِ وَ لَا تَجُوزُ فِي الطَّلَاقِ - وَ قَالَ إِذَا شَهِدَ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَ امْرَأَتَانِ جَازَ فِي الرَّجْمِ - وَ إِذَا كَانَ رَجُلَانِ وَ أَرْبَعُ نِسْوَةٍ لَمْ يَجْزُ - وَ قَالَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الدِّمِّ مَعَ الرَّجَالِ.

اطلاق دو روایت فوق شامل شهادت انفرادی و انضمامی می شود ولی این که فقط در حد زنا به انضمام تصریح کرده و شرط انضمام مردان را فقط در زنا مطرح کرده است مشعر به شمول سایر موارد نسبت به انفرادی است

### ج: روایات دال بر اعتبار شهادت زنان در نکاح در صورت انضمام به مردان

با این دسته روایات می توان روایات مطلق را بر صورت انضمام و روایت سکونی دال بر منع را بر صورت انفراد حمل کرد

.. و هذه الطائفة تكون شاهد جمع بين الطائفتين الأولتين خوبی ره

۳۳۹۱۵-۷- «۶» وَ عَنهُ عَنِ أَحْمَدَ وَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَاعَ قُلْتُ لَهُ - تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي نِكَاحٍ أَوْ طَلَاقٍ أَوْ رَجْمٍ - قَالَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ - فِيمَا لَا تَسْتَطِيعُ الرَّجَالُ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَيْهِ - وَ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ - وَ تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي النِّكَاحِ إِذَا كَانَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ -

۳۳۹۱۲-۴- «۶» وَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ النِّسَاءِ - فَقَالَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ وَحَدَهُنَّ - عَلَى مَا لَا يَسْتَطِيعُ الرَّجَالُ النَّظَرَ «۷» إِلَيْهِ - وَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي النِّكَاحِ إِذَا كَانَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ -

**نقول:** دلالت این دو روایت بر شرطیت انضمام مردان تام است زیرا در

مقابل شهادت انفرادی است و مفادش حصر جواز شهادت به انضمام است.

**لایقال:** ممکن است مراد روایت شهادت در زمان تزویج باشد و بر مورد

بحث دلالتی ندارد همان طور که در روایت قبل این احتمال مطرح شد

**اذیقال:** اولاً، تعبیر در این روایت نکاح است و در روایت قبل تزویج بود

و تزویج معنای مصدری دارد و نکاح معنای اسمی و معنای مصدری بر

وقوع دلالت دارد و به زمان تزویج قابل انطباق است. ثانیاً، سیاق روایت

موید شهادت انکاری است. هر چند در اولی با علی متعدی شده و در

دوم با فی، و این تفاوت سیاق را تضعیف می کند. و ثالثاً، چنان که پیش

از این گفته شد علت جعل شهادت در زمان تزویج وجود شاهد برای اداء

در مقام انکار است و به این وجه در روایت داود بن حصین هم اشاره

شده است بنابر این، اگر در شهادت در زمان تزویج شرط باشد انضمام

مردان به طریق اولی این شرط در شهادت انکاری هم معتبر است.

**د: روایت دال بر عدم اعتبار شهادت انفرادی زنان**

این روایت هم قرینه بر حمل روایت سکونی نافی اعتبار به صورت مطلق، بر

شهادت انفرادی و حمل روایات دال بر اعتبار به صورت مطلق بر شهادت

انضمامی می باشد.

۳۳۹۴۷ - ۳۹ - «۲» وَ عَنْهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِيهِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَيْسَى  
قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَاعَ هَلْ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي التَّزْوِيجِ - مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ  
مَعَهُنَّ رَجُلٌ - قَالَ لَا هَذَا لَا يَسْتَقِيمُ.

أقول: حَمَلَهُ الشَّيْخُ عَلَى التَّقِيَّةِ تَارَةً وَ عَلَى الْكَرَاهَةِ أُخْرَى. - وسایل الشیعه

این روایت در تعارض با روایت داود به حصین هم می باشد.

مناقشه: محتمل است که این روایت مربوط به شهادت استحبابی در زمان

تزوید باشد و به شهادت در مقام انکار و دعوی مربوط نباشد و شاید

شیخ ره هم بر این اساس روایت را بر تقیه و کراهت حمل کرده است.

### استدلال عقلی مختلف:

مختلف: أن الظنَّ قد حصل بشهادتهنَّ مع انضمام الرجل إليهنَّ، فيجب العمل

عليه، لأصالة العمل بالراجح، و قبح العمل بالمرجوح و ترك الراجح.

لا يقال: مطلق الظنَّ غير كاف، و إلا لثبتت الحقوق بشهادة الواحد و الفساق و

الصبيان مع حصول الظنَّ.

لأننا نقول: لا يكتفى بمطلق الظنَّ، بل المستند إلى سبب ثبت اعتباره في نظر

الشرع، و قد ثبت اعتبار شهادة امرأتين مع رجل في أكثر الحقوق، بخلاف ما

ذكرتم.

### جمعبندی:

روایات مثبتِ مطلق با روایات دسته آخر که بر شرطیت ضم مردان دلالت دارد

تقیید می شود ولی روایت داود که دلالتش تام است به جهت مناقشه در سند

نمی تواند با روایات دسته بعد یعنی روایت سکونی - که بر نفی انفرادی حمل

شد- و نیز مفهوم دو روایت مفید حصر معارضه کند. اما در صورت تعارض

باید به مرجحات مراجعه کرد و به دلیل شذوذ و معرض عنه بودن بر اساس «خذ بما اشتهر بین اصحابک» قدرت مقابله با روایات مقابل را ندارد. در نتیجه شهادت انضمامی زنان بر نکاح پذیرفته و شهادت انفرادی آنان حتی با یمین پذیرفته نیست.